

نجم باختر

۱۳۲۹

ششماه هشتم نهم
 ماه شعبان المعظم ۱۳۲۹
 فهرست مندرجات

- ۱ لوح حضرت عبدالهنا، باقیارنجم باختر
- ۲ لوح حضرت علی الهمدانی در باب توجیه مبارک باقی ذنگ
- ۳ لوح حضرت مولی زوری در باب منش امراته در جهات عالم
- ۴ تجارت بین شرق و غرب و تشکیل کپالتیه شرق ایران و تبریز
- ۵ نجم باختر: تجارت مس شرق و غرب
- ۶ مکس ستر لونی گرگوری در رشته اسبانه بنانی امریکا
- ۷ خدوئه لدر شرح حال او و لوح مبارک در حق مشاریه
- ۸ سفر حضرت عبدالهنا، باریکا
- ۹ انتشار عظیم امراته شهرهای دیالت کالغوریا باقیارنجم باختر
- آقای دکتر امین الله فرید
- ۱۰ ترقی نجم باختر در رسد این شرق و غرب مسنی گذرته

Persian Editorial Office: NAJME BAKHTAR,
 1800 Belmont Road, Washington, D. C., U. S. A.

صفحه اول
جلد دوم
شماره پنجم و نهم
قیمت شش تنگ
آگوست ۱۹۱۱

سخن‌ها

۱۳۲۹

Vol 2
No 8.9
سال اول اول قرائت
ماه اسفند ۶۸

این جریس بر حسب تاریخ بهائی بر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت آن دوی در مسائل بیگانهی بشر و وحدت ادیان و ترقی
عمر و انتشار علوم و فنون و یقین و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توضیح محتایق این دین
عمول خواهد نوشت و مقالات مفید که موافق سبک ادب است قبول و نشر خواهد کردید

بیگانهی برافرازد . حال این آواره را مقصد چنان است
گرفتند اما آنکه بر سر گرد و اثرش باقیمه غریب دهد بلکه بر تو جان
حقیق اسم اعظم روحی در اندک در اقلیم فزنگ جلوه نماید و از خدا
خواهم نظر غایت شامل شود و الطاف حق در حق تو کامل
گردد اولی شرط این است که در خدمات سرور خویش باشی
و کیش بهائیان تحقیقی گری در نهایت صداقت و حسن نیت نمایان
دهی که بهاء الله بی ع و ع

حضرت عبدالبها سخنان خرد و دلجو و آقا مرزا
طراز الله بکلمات کزین ذیل یاد میفرمایند

تا ستمگر با حق که در درشت بدست بیگانگان افتاد
حکمتی در آن بود آنرا اثراتی خواهد نمود ایجاب جویند
فرمودند و در حق بهائیان آفاق را احاطه نموده است
استهزیه و بد زبان ارباب جویند بسبب رسوایی خود آنان است
ویرا بایدین بن بشکند بکشند که آنچه در ایران چنان
نقوذ در امر بیگانگی که چنین جویند می نظیر نظم با حق را پیش
گشته اینجای شکراست نه شکایت و این لب غزت
ایران و ایرانیان است نه ذلت فاما هؤلاء القوم لا یحکمون
بفتقون قدیثا ع ع

نقوذ در سوج امر الله و انتشار در ترویج کلمه الله
در آفاق عالم از بیانات حضرت سرور بهاء الله

همدان
ای آقای عزیز الهی دای الله محترمانی این بنده استخوان
چندی است باقیمه سرور در دین کشور باقی بر سر بدست
چهل سال در زندان ظلم و اعتداف در نهایت سخت و عقاب
بود و در زیر شکنجه و عقاب و حکمت استبداد مردم بهائیه
نمیواند و با آنست بر او افتند و ازین بجوی پیدا شدند کسی
همچنان نبود که عبدالبها و یقین آنان باید هموار در زیر شکنجه
بود و در سخت تهدید عبدالبها با وجود این احدی نبویان
دعایت جمال مبارک فتور نمود و مقادیم اهل سرور بود
و تسخر بر گاو دست غفور و مقدر معترف بقصود تا آنکه او را
حکمت زار جانگیر گشت و بیست حضرت مقصود در آفاق وجود
در گمان اسکان با هزار در آمد و کوه کعبه شدند
در اسکان بر جمع اقایم دانشمندان شد عزیز قلم اعالی گویند
و بدیدر جماعه و فائقون فرار از جان بخشید
خبره وحدت عالم انسان در قطب اسکان بند شد

حضرت عبدالبها و عدله جلوه ظهور در آفاق
غرب در لوح ذیل میفرمایند

بار موافقا در جان و دل ایران شعره اشتیاق از رخساره نفس
مشتاق بر صلح حقیقی برقرار در ایران بهار است و در آتش ضلالت
دل ابناء شرق در سایه علم تقاضا محسوس و کفلی عاقل و محجوب حال چنان
چه توان شود ایران بهار کز قطب بزار بلکه این نشانه لذت برای
عذب ذرات در کنار این آفت حاسه جو آن نندید
بجان فزنگ بردند و آهنگ بلند کند در ارکان را بهریت
بدرجه باز است و بعضی و فرزندک همدم و ساز یوسف
چون آوازه شود و خویش پیوند شوند در از اهل و کابل دید در باره اقایم نقوی گردید
سرمای عرض دیدار کرد تا نه آوازه کی بنیان بیگانهی بر بلند و اولم

علم تو جدمین امم در ادعای اعظم موج زد و نتایج قدس نشدند
 اینان پس منتظر گشت جنت ایی ترین یافت در امر الهی ملقبین
 گشت بیل معانی گلبانگ جهان زرد و امر از معنوی بیان نمود
 نسیم جانش خب موم و دیند و پرتو شمس حقیقت افق عالم را روشن نمود
 کرد حل وقت آن است که باران تریخ خلق رحمانی بر دانه اند
 و موجب بهای جمال مبارک بر بخت جمود شهسور کردند
 بر پشت خالیم الهی بر خیزد و موجب نصایح جمال مبارک عمل نمایند
 تا احکام رحمانی و تقالیم ربانی در ارض ایمانی از خیر منظر به خیر ظهور آید
 و حصول پذیرد و این شجره بخشد و این گشت آب یاری گردد و جمیع
 اعمال و اختلق را باید تطبیق با آن کتاب نمود و بموجب تعالیم
 الهی حرکت کرد و لب نورانیت جهان و ظهور رحمانیت در عالم
 انسان شد

آسی باران الهی با انوار رحمن مدعای اختیار ادانی از نور اهب
 آسمانی در بر کرد و حاجی از فیض ناقصاتی بر سر نهاد تا در این دستور عالم
 مشق حلوب بر زبان نمایند و جهل نورانی نمایند و به تزیین و تکریم
 عالم فانی بیارایند پس باید کل کجا که دل متعلق شویم تا باین لطافت
 و فیوضات متحقق گردیم عالم بشر را بر شویم و نوع انوار از انوارش
 اول در جهان گردیم قبی گشتن جویم و جانی بجهان رسانیم مدشش دلبر
 مهربان گیریم و این راه را در میان رسانیم ملاحظه نماید که طلعت
 مقصود و حضرت موعود در تمام مآخذه و چه صد مر و جانی و شفت
 و ابتلائی در جسد در زندانی و تاراج و تالاق و آذ و گری بیسر و سامانی
 نفس در گونی بی دردی تحمل فرمودند تا آنکه تائیس و وحدت عالم
 انسانی گردد و میان بیگانگی بر افتد و در بیگانگی جلیب نماید این عالم
 تربیت کردند و بنورانیت الهیه فائز شوند و موهبت کیمانی
 چونند و سعادت دو جهانی طلبند پس ملاحظه فرمایید که باید چگونه
 مشکونه بر دینم در دوش و حرکت نمایم وقت ما از دست ندهیم
 ایام را غنیمت شموس هدایت خلق بر داریم و نقد سس را بیدار کنیم
 و غافلدن به شمار نمایم و علیکم و علیکم به بار انبیا علی ع

تجارت با من شرف و غرب
 تشکیل کپایت شرف ایران در تبریز
 و قایع نگار اداس بنویسد به
 الحکومه در این ایام نفخه منظر در

از قدم مبارک حضرت خدا بانه در عالم شمس و جواهر نقره و طلا
 در هر خطه و دیار معوش فرمود که بیکل عالم را بقوه اسم اعظم الهی از
 امراض اختلافات و انقلابات گوناگون نجات بخشند و با کلام
 اگر در خواب بیدیم باور نیکو داریم که چنین روز مبارک را در کس ختم
 نمود که مادر شرق و با اهل امریکش که چندین مرتبه از برادر مهرمان
 ترند بگردد روحا و جسماً بر لوط باشیم اجازات بتدریج شرح
 هفته قبل است که حواله متعلقه جناب لائمت الله قلدح از دو جوش
 امانت مخصوص خودمان که در شیوه حرکت حاضر بودون بسیار است
 و آن وجه سیصد پنجاه دولا در آبادان کاغذ که فهرست دلا کس
 آن در جوف دستمان شده بود برسانید که ۲۰ عمل کاغذ
 حمل نمایند و حال عرض میشود که اینهمه کاغذهای فایزیه
 بمعرفی آن اداس رسید و تشویقات و تحریکات برادر من است
 دستن معنوی دریافت گردید که جمعی تائید اساس بگذارید
 و بیان تجارت در این دو نقطه فرام بیارید دوستان در شورا
 بودند تا آنکه دو هفته قبل نتیجه مجلس انجام گرفت و نقد سس
 کپایتیه حاضر شدند و گیت هزار و نه صد سهام که بر سهمی توان
 میشود و جمع آن ۱۹ هزار تومان بطبع رسانید و مشتری منین شدند
 و با قطع شهسود الی نامه این وجه جمع آوری خواهد شد نقد آیین
 قدر که نوزده هزار تومان سرمایه میشود یعنی منول و حجره و تجارت
 معین شد در شمس و اجزای معتین گردید و در روز است مشغول
 کار در ترقیات هستند و در هفته است اعلانات تشریف
 دارد مدد کند و ملک قسط اول و جمع آوری و جوات است و بقدر جماع
 در نوزده تجارت معتبر نموس این کپایتیه هستند و در تحت نگداری خود
 محافظه خواهند نمود حال اگر چه امروز کاغذهای طبع شدند با اداس
 حاضر نبود لکن اجازت دادند مطالب را در باره تائیس من
 بیان مبارک را عرض نمایم و لذا این بعد نظر اندامت و دستورات
 ادان اینچنین شما هستیم آنچه تقاضا میکنیم این کپایتیه است
 اینکه صاحبان کارها نجات بر مغزق شما کاغذها فرستادند
 و کاتب نوشته اند و بعضی قیمت اجناس بسیار ارزان شده اند
 و در ضمن اظهار نمودند که اگر دکالت مال را قبول نمایند خصوصاً چنانچه
 به آنطوره آبی است خود خرج معین کردن ایم برای شما هم معین خواهیم
 نمود لهذا چنان صلح دانستند که یا شما اعدان بدهید یا یا اگر
 با توسط قونسول امریکا اطلاع بدیم و برای خود ادان است
 بدیم تا با بر بقیه اموال را امانت فرستاد بچه خود اینان

۲
 علم تو جدمین امم در ادعای اعظم موج زد و نتایج قدس نشدند
 اینان پس منتظر گشت جنت ایی ترین یافت در امر الهی ملقبین
 گشت بیل معانی گلبانگ جهان زرد و امر از معنوی بیان نمود
 نسیم جانش خب موم و دیند و پرتو شمس حقیقت افق عالم را روشن نمود
 کرد حل وقت آن است که باران تریخ خلق رحمانی بر دانه اند
 و موجب بهای جمال مبارک بر بخت جمود شهسور کردند
 بر پشت خالیم الهی بر خیزد و موجب نصایح جمال مبارک عمل نمایند
 تا احکام رحمانی و تقالیم ربانی در ارض ایمانی از خیر منظر به خیر ظهور آید
 و حصول پذیرد و این شجره بخشد و این گشت آب یاری گردد و جمیع
 اعمال و اختلق را باید تطبیق با آن کتاب نمود و بموجب تعالیم
 الهی حرکت کرد و لب نورانیت جهان و ظهور رحمانیت در عالم
 انسان شد
 آسی باران الهی با انوار رحمن مدعای اختیار ادانی از نور اهب
 آسمانی در بر کرد و حاجی از فیض ناقصاتی بر سر نهاد تا در این دستور عالم
 مشق حلوب بر زبان نمایند و جهل نورانی نمایند و به تزیین و تکریم
 عالم فانی بیارایند پس باید کل کجا که دل متعلق شویم تا باین لطافت
 و فیوضات متحقق گردیم عالم بشر را بر شویم و نوع انوار از انوارش
 اول در جهان گردیم قبی گشتن جویم و جانی بجهان رسانیم مدشش دلبر
 مهربان گیریم و این راه را در میان رسانیم ملاحظه نماید که طلعت
 مقصود و حضرت موعود در تمام مآخذه و چه صد مر و جانی و شفت
 و ابتلائی در جسد در زندانی و تاراج و تالاق و آذ و گری بیسر و سامانی
 نفس در گونی بی دردی تحمل فرمودند تا آنکه تائیس و وحدت عالم
 انسانی گردد و میان بیگانگی بر افتد و در بیگانگی جلیب نماید این عالم
 تربیت کردند و بنورانیت الهیه فائز شوند و موهبت کیمانی
 چونند و سعادت دو جهانی طلبند پس ملاحظه فرمایید که باید چگونه
 مشکونه بر دینم در دوش و حرکت نمایم وقت ما از دست ندهیم
 ایام را غنیمت شموس هدایت خلق بر داریم و نقد سس را بیدار کنیم
 و غافلدن به شمار نمایم و علیکم و علیکم به بار انبیا علی ع

زدرشته شود البته و مطلب در تمام فابریقه بعد از اظفار قبول
 بنمایند و لکن یک نفر ایرانی که در آنجا است که تعیین فرمایند شریف
 بیایند و برتر از آن باشند و آنرا از ما همین که بعضی از اداس
 قبول خواهد نمود اول آنچه لازم است آب آوردن از رودی بر بندگی
 باز رود خانه یا از چاه و این ما همین که آب اولی کار هم در تمام
 دوم اداس موقوفه است لکن مطلق که قابل ملاحظه است
 آنکه اگر آنرا در چندین نمایم که ما همین که از آنجا حمل نمایند انوقت
 است بعد از تمام کار خانه است پی در هم حمل میکنند و گویا نمیدهند تا
 برتر از منبع گزافی که بر این بر خا برداشته اگر سنگین باشد باید از
 باطوم باید انوقت در راه سه بهر بوط به نجات باقیه لکن سنگین
 این خارج اگر کم باشد در عهد تو این گرفت و اگر زیاد باشد
 در وقت خارج است اگر مال فروش نبود در جومات شود سگ
 طول بکشد تا بدست آید و اگر خارج الی برتر از راه خود کار خانه
 نجات محال نمایم این هم بنظر صحیح نمی آید و لکن البته شما بصیرت
 در این مورد دارید شد ما همین که حاصل کار خانه سنگ را در برتر
 نوعی بیگال دو سال با آنکه مشهور میفرستند در تمام
 نقاط همین شرط فراموش می کنند این گمانه است که هر چه
 ارتباط کلی ایرانی و امریکه خواهد گردید باز شما هم بر خطو صبیح
 سید ایند مرقوم فرمایید مخصوصاً شما که بسیار جاهلی و در خط
 دولت نام را در درجهان است زراعت جدید در اسباب
 کس باری ما در برتر این گمانه را قوت نخواهیم داد و شما
 در اموریکه بسیار قوت و منفذ این گمانه میگردد فکر نمائید تا دیگر
 سرمایه ددان این مملکت و فابریقه را بنحوی از وجود این گمانه
 باشد

و بواسطه شراط و قیاسات رشته تجارت کلی با این زمان ایند
 بسته شود این بود که در همان اوقات بزحمت آبی زیاد
 از این فابریقه آبی داشتند جدید زراعت و فلاحت و معدن کن
 در راه آسپ و اسباب کی سفید دیگر را بدست آورد و این کار
 مجبور بآن کرد که گمانگت کی خود را بدست شهر ایران بفرستند
 پس از آنکه این کتب کجرات رسید مکتبتهای کوششند که آبی
 با با جان ایران کجا و این اسباب کجا این آلات بکار
 میخورد ما گمانه میگویم در مرد کن که زمین را شخم کند زار زمین ما روز
 استعمال این آلات بخردند نادانند نمی نمایند ولی ما در زمین
 بیانات کمدل نشد به تشییع و تحریص بر خواهستیم که آبی آفتاب
 محترم آبی هم دطان عزیزه تحریک رفتی و با باید در قطار دون
 تمدن داخل مردم ؟ این دلیل شد که زار زمین ما استعمال این
 آلات را بلد نیستند مگر عقل ندارند مگر مایل به راحت
 و سودگی نیستند ؟ باری آنچه لازم بود مقصد در مکتب
 نوشته شد لازم بگردانست تا آنکه در این ایام اخبار
 خوش در این باب رسید و مورد سر در قلوب و فرح انداز
 اجزاء این اداس گفت چنانچه از مکتوب قبل معلوم شد
 که باریان برتر در این امر بر ما شرف است حسرت بهشتی نمود
 و با بندی بهت به تشکیک گمانه شرق ایران قیام کرده اند تا
 به بنوا سطره واسط تجارت سلطه با این ایند و مکتب حکم نمایند
 اداس بنحوی با ختر نویسن فیروز وطن پرست غرت مند این گمانه
 در امنیت بالانها نیز از جسم قلب اظهار میدارند و امید داری
 ما آن است که این وساکس ابدی و در طریق ترقی مملکت
 ایران جانفشانی نماید هم چنین یقین است که حال ایران
 و دوستان ساژدایات ایران و ممالک خارجه در خوش
 این گمانه قیام خواهند نمود و از اسهام آن بگذر قیام خواهند
 خرید تا آثار اتحاد و اتفاق حقیقی ظهور نماید و این گمانه مرکز
 اجراء است همکاری مهم کرده شد بسیار هم که نوشتن
 این گمانه شریف باید در نظر داشته باشند اگر چندین
 نفر از تجار بسیار مغرور شناس ایران را طالب خواستگار
 نموند که در تحت اسم سیون تجارنی بخش بدست آوردن
 اظرفات کانه دیدن فابریقه ؟ در اوقات تجار و در
 کارخانه آدینه سفری با امریکه بنمایند لهذا آن تجار
 چه خواهند بچشم خود دیده بی اندان سبب اتحاد و اتفاق

نجم باخته

بزرگترین واسطه حیات دین این قرن در دستن بهمان استقام
 روابط تجارت با این ممالک خارجه با ختر است زیرا تجارت
 سکنین دو نقطه دور را محض رتن و فنق امور محبت و خود
 استیاد در یک مجلس داخل نماید نتیجه این معاند هر چه
 دوستی و رفاهت و فائده این دوستی و رفاهت محبت و دوستی
 و اتحاد و اتفاق میگردد لهذا یکی از مقاصد بنجم باخته در شام اول
 فادسی عاب گردید این بود :-
 بنجم باخته شائق است که ارتباطی تجارنی و صنغ و این با این شرق
 شرقی و غربی بظهور رسد و حاضر است که تجار را از این بر وضع

بزرگترین واسطه حیات دین این قرن در دستن بهمان استقام
 روابط تجارت با این ممالک خارجه با ختر است زیرا تجارت
 سکنین دو نقطه دور را محض رتن و فنق امور محبت و خود
 استیاد در یک مجلس داخل نماید نتیجه این معاند هر چه
 دوستی و رفاهت و فائده این دوستی و رفاهت محبت و دوستی
 و اتحاد و اتفاق میگردد لهذا یکی از مقاصد بنجم باخته در شام اول
 فادسی عاب گردید این بود :-
 بنجم باخته شائق است که ارتباطی تجارنی و صنغ و این با این شرق
 شرقی و غربی بظهور رسد و حاضر است که تجار را از این بر وضع

عم
 ایند مملکت و از دیار روابط تجاری خواهد شد و البته بشود
 سفید خواهد بود اگر آن کیسیون تجار نمونه انداخته
 ایرانی مهرا خود بیاورند تا مشتری و طالب پیدا گردد زیرا که
 تجارت را منحو بهیم دانش کنیم بایستی بهمانقدری که مال منجریم بهمانقدر
 آنقدر مال بفرودشیم. باری اجزاء این ادار و اعضای آنجن
 رئیس ایران و امریکس از هر جهت حاضرین و خواهند بود
 اساس این کمیته را حکم بهر وقت کیسیون تجار حاضر
 گردید آنها را بهمنوع بیاید و کمک نمود و مع امضاء حکومت
 امریکا پروگرام سفر حضرت را در شهرهای امریکس بهتا
 نمایند.

کجا
 اینها میان سفری با نایب عرب امریکس و سیگانو خواهند بود
 حضرت مولی الوری در یکی از الواح اخیر که یکی از بهائیان سفید
 شد در حق او میفرمایند:-
 سترگر گوری در نهایت محبت در احاطت او در شد و نهایت
 مرد در مراجعت کرد بر ایمان و ایقان افزود و نهایت ثبوت
 در سوغ یافت البته جن مراجعت ملاحظه نمودند امید من
 چنان است که سب از دیار اجزاء و آثار جن گردد.

سفر حضرت عبدالبهاء بامریکس

در یکی از الواح اخیر میفرمایند:- و تا قضیه آنقدر روشن نگردد
 شرط شرطی است که باریکانه نشود مگر آن شرطها حاصل گردد
 یعنی است که حاضر شوم. در لوح دیگر میفرمایند: ... و احق حکم
 یکت روح در یکت نفس یابند و این اتحاد و اتفاق مغایر نفس
 شود و عبدالبهاء تا جذب بان شهر نماید زیرا در نهایت
 اشتیاق است که در محفل یاران حاضر گردد و دستها بر روی
 دوستان عزیز کند.

انتشار عظیم امراته در شهرهای ایالت کالیفرنیا
 بقلم آقای محترم و ادیب مفرح دکتر میرزا امین آه قریه



در دوازده ماه مارچ جناب ستر چارلز هنی و امته امه المخرجه لامه لوان شکر
 و این عبد ستر محترمی بشهر سن دیگو نمودیم. سن دیگو مگانه ثانی و بیست
 جنوبی کالیفرنیا است. ایالت کالیفرنیا چنانچه از نقشه ملاحظه
 ملاحظه میشود عبارت از قطعه مستطیل است که در کنار محیط پاسفیک
 واقع شده بند بزرگ سن دیگو در سمت شمال و سن دیگو
 در طرف جنوب است. اینجا پنجاه پانزده میل خارج از شهر بزرگ
 است و دولت جمهوری مکزیک است که در این ایام دچار انقلاب
 داخلی بود و وقت بواسطه این بحران و نلیان رئیس قبل
 (ایاز) را از کرسی و سن دیگو ریاست کلیه ساخته و رئیس
 وطن است ولی از روی انتخاب صحیح بجای او استوار دلداند
 سن دیگو از شهرهای خوش آب و هوا با صفا می باشد و در آنجا
 طوق و خیابانهای قشنگ و نظیف و باغ و پارکهای زیباست
 و حضرات و حضرات بر حسن دو جا بهت آن می افزاید لفظ
 نظرش محیط پاسفیک و لذت جالب عالم مکزیک و دست و صورتی

جناب ستر لوانی بر گوری سر رشته بهائیان سیاه امریکا این شخص
 یکی از قانون دانان و عقیده محترم این مملکت و در طاعت بسیار
 و فصاحت بیان و عذوبت بیان ربانید قلب و لداخ جود
 سال رئیس قدیم ترین انجمن معارف سیاهان امریکس بود و
 در ادارت خزینه و مالیه دولت مشغول بخدمات ایالتی بود
 چند ماه قبل که حضرت عبدالبهاء در راه سن دیگو مشرف گشت
 و مورد عنایت لایه در احوال و حساب گردید و از روزی که
 رجعت بپوششگتن نمود در کجا نشین بود و اخبار بندگ حضرت
 بهای الله مشغول و خطبه های متعددی از سب اشتغال نفس
 زیاد کردید و در ایام نفس شریفی است که در وقت مجلس

چند روز در استان بعد استان شدند و یوم سوم چون سه روزه مانده بود
دارد سینه بگوشیدیم در راه از شهر دورتره عبور و با هر نفسی که نوزد نمود
بشارت صلح اعظم و طلوع تیراهی را دادیم آقی الحقیقه فرج امروز است
چند روز از حد خارج و به صفت نیاید چون وارد شهر شدیم خبر
رسیدمان در میان مردم عجیب و همان شب روزنامه نگاران به منزل
آمدند و بعضی اظهارات فرستادند در روز بعد در پنج جراید مقالات
مفصل در تعریف امر مجید شمر نمودند و جانب از بزرگتر رسانند
طرف اعضاء کلوب و اهل اطلاق تجارت که در حال سفر شهر
قتل بان دادند خواهش کردند که شب شانی در این محل محبت شود
این کلوب مقرر رجال است و چون انشب محبت تمام شد
جمع دست نشان مدح گویان خواهش کردند که بتالار بزرگ
بزرگ کوزله اعیان و بزرگان بل عموم سنگت را دعوت گرفته
و خطابه دال بشود لهذا در همان فرج خواهش حضرت قبول گردید
ذیرا خود ما برای حدت و نشر نفیست و تعالیم مبارک بود است
خود وزیر پیش از وقت تلفون نمود تا لاریتق را اجبر نمودند
گشتند و تا ساخت همان روز مقاله در روزنامه سطح و از عموم
ناس و قدر گرفته شد و خصوصه این نوع همایی و اقبال در امر دهان
تا بحال بدست نرسیده است دست لوا که از ابتدای امر
در امریکت بود که سنگت تاکنون چنین اقدامات از چنین
شخص نفیس نبوده است این همه خداوند است سحر
اگر بود که روز شنبه در آن مجلس عمومی تا لاریتق از مردوزن
بزرگت و کوجکت و غنی و فقیر بشمار حضور یافته و جای ایستادن
هم نبود و لذت نام جان بود که بسیاری مردم بیرون مانند تمام این
صحت و جمع و عطش برای شنیدن کلمه الهی و مائت سماوی و
در مقامی ظهور باقی بود در آغاز پس از متعلق حکم و حکم
وزیر شری در موضع امر بدیع از انور از اظهار فرمودند ای آقایان
و جانان محترم سینه سنگت و سنگت و سنگت آقای دکتر فرید دست
گشتند خدی قبل تنز شغری بدین شهر نمودند و مجلس از زبان
مستغنی ساخته و از امر جدید یعنی دین بهایان مدراستخف نمودند
و کلوب بزرگان باسیان را چنان زین و در زمان فرمودند که
بی اختیار سینه امر باقی شدیم و چون محبت عموم سینه سنگت
دل ناست خواهش کردیم تا این بر ایامی نه صحن و تعالیم در مختار
نیز نمایان نمایند و این نیست چه روح سبحانی در این آسمان
که هر کس از آن سائل نماید الهی اللذینند و فرزند گردد اما
این امر باقی مروج عالم مراد و این تعالیم بر تالی مروج صلح عمومی

کلام من المللی است این نفسی که امروز طالب صلح عالم است
باید تمهید این مروج را باید بطنه جسم امکان در مان حاصل کند و حال
نیز این نکته ترانس روشن بیان خواهد کرد و غیر از این
در یک است خطابه اولی نمود و پس از اطلاق بشارت ظهور
مبارکت و تبلیغ دلائل بهیته در باب صلح عمومی ملاحظات ذیل
معروض گردیدند ای بخان عالم! و صلح جوانان امرا امروز
جسم عالم انسانی و جسمیکل بشری و هیئت جامعه است و سبب
حلول امراض جاریه اختلافات ملی و مذهبی و تعصبات دینی و
و تعصبات عشق و عقل غلیل در مریض شده و ملکوت نه است
که ایجادش بجهت انس و موالت و یگانگی و اخوت و اتحاد و محبت
و تعاون و تقاضا و صلح و سلام بودن بعت این امراض ظاهره غایبه
محل جنگ و جدال و میدان تفرقه و تبعاعد گشته و این امراض
همگت بین ملل را شدت نهان اسباب جنگ و جدال ایجاد
کمال رسانیده و اغراض مذکور این امراض همگت را بر این
نفوس استبداد و انحصار است از این اشخاص حاکمه اجری
صلح و صلح و صلح است مثله این جان است که بزرگان
و جزایر و تنه و شور و آشوب کنی و از آن محلول جلوی شیرین
و انگبین طلبی اعدا بر این این مرض شدید قوی که بر جسم جان
هیئت انسان عارض شده باد و نیز جزئیة صلح پذیر نیست
جزئی عقلی عارض انسان بشود بدو از جزئی مانند محلول سلول
رفع میگردد و از زمانی مرضی عارض میشود که آن را دبه فائز نمی کشد
باید در باق قوی نگاربرد حال امراض عالم بشریت زیاد و خوف
در بدو ای جزئی معالجه پذیر نیست پس باید رفع این علل
بقوه نافع الهیه شود یعنی قوه فوق قوه عالم طبیعت و صلح
این امراض تعالیم حضرت بهادته است که بیفرماند ای اهل
ارض میر بار بگردد و برگشت خوار پس افزون بکلیط
من یک عالم این قوه که پسر س باقی گیرد امیر شهبان کرد آن
قوه که مسیح نامی در امور عالمان فرمود امروز باید از انکار برد
ان قوه که موسی چو پاندر را بر فراعنه مسر غالب ساخت آن
قوه که علی و کل نادان عرب را بر اوسطه غیر صابر مشق علم و دین
در قران و سطر نمود و آن قوه امروز قوه کلمات الهی است
که در سس سلامت بهادته ستن گذارون و حضرت فداها
مروج ان تعالیم الهی در من اطفال لڑا است و دست ان و
عالم انست را باقی حضرت بهادته بود و ستم گانه امروز حضرت
من الهیه است و امروز جماعت زیادی در ظل تعالیم تربیت اند

و در خیمه نگاه کنی در آمدن او مغرب این خیمه تا بهایش شرف و غروب
 و جنوب اتمالی کشد شد جهات عالم را یک جهت خواهد فرموده
 درین در غفل ظلیل او آوازی خواهند یافت بخانه سال قبل شایسته
 که صبح بگریه در عالم استغراب باید این ارض باید صاحب کیش آن
 و خط باشند تار و بطین المصلحی حکم گردد و جهان جنت الهی شود در این
 موقع بزرگترین دلیل کلمات روحانیه حضرت خدایا است که میفرماید
 ایس باران باید بیگانهگان در آشتی نمایند و نفوس خارج بر ما آید دانند
 محروم از کرم راز شوند بنویسند از آنجا که گمراهانند این بی
 شوند فرق در میان کنندند خطاب بدارک ای این عالم پدید

بگردید و برکت گشت خدای تعالی دادند بچهره هر یک باشند
 را آنچه که کردند برایش بر امتیاز باشند فرق در میان گذارند
 در کل بر پروردگار کنند شب در روز افکار را محصور در آن نمایند
 که اوقات را دست بگیرند و بر فرق را تر و تان کنند مرده را
 زند نمایند عرضی را شفا دهند بیماری را رستار کردند بسیرت
 را ایضا بنام شوند بعضی را بر هم آید و در بند ایران شوند بی بی
 برهان کردند سیری را طهر و کسب شوند فقیر از اسیر و بگر کردند
 بنویسند از آنجا که بر سر راه ایشانند تشریف بر بنویسند این است
 منطبق تعالیم حال سبک است و این است در شرف و سکون این سبک

ترقی حکم با جز و مرا سده با من شرق و غرب

یک سال تمام است که بتایید توفیق حضرت بهاء الله و حضرت عبدالکبیر
 قسمت فارسی حکم با جز شروع به چاپ و انتشار نمود و اگر چه در سال
 بعد از سالک شرق بیشتر گنجی در آید نمود امروز عدد آنها به جهت ضعف نفوس
 و بیعت بعضی دکلا محترم اداس روز بروز رو با زیاد است و اگر چه
 سال گذشته عدد مرا سلات فارسی که از ایران و سایر ممالک
 شرق بر رسید بیشتر از چند عددی نبود و نقطه از چند نقاط بود ولی از
 زمانی که این حکم از افق امریکت طلوع نمود در ممالک خاور
 بیفت و همه رفته راه انداخت مردم را بر قوه این امر گاه
 سخت شهادت مکاتب فارسی که در جمیع شهرهای شرق این اداس
 در این یک سال دریافت نمود به ۸۴ عدد رسید و از
 اداس حکم با جز تا بحال متبذر بر جواب کل مکاتب است
 گشت است و این رشته مرا سده نگاری مانند خط طلاست
 بر هیچ انالیم و این و قلب باران شرق و غرب سلطنت نمود
 و متفق ساخته که سان که شرح آن عاجز و قاصر است سبکی
 چندی بود که حضرت عبدالکبیر بهائیان ایران را در یک رتبه
 بر مرا سده نگاری بیفرمودند و اگر چه گاهی مکاتب اجزاء الهی این
 دیار بر رسید ولی در آلی نبود که در آنیکه و محسن آن بود که در
 از این ۸۴ مکاتب روحانی که در وقت یک سال در شرق رسید
 ۲۲ آن از شهرهای ایران است و باقی از دست و سر و سر
 اقماری در هندوستان چین و اندک در شمال آفریقا است
 کامل که در آلی میفرموده و عدد مکاتبی که از شهری دریافت شد
 و عدد شش کین در هر شهری کفنی اقله در این درج خواهد نمود تا
 در جمیع تاریخین از شرق این اداس انجمنی حاصل نمود سرور برزند

اگر در سال اول عدد شش کین به شش عدد نفر و عدد مرا سده
 که دریافت شد به ۸۴ عدد رسید آیا میشود امیدوار
 باشیم که در آخر سال دوم این عدد از مضایف خواهد گشت
 مشکلی نیست که امر حضرت بهاء الله در ممالک شرق و جنوب
 و صعود است و مردم آن بلاد بتدریج از خواب غفلت بیداری
 شوند و این جریان را مشاهده است و نیز آن ترقی امر الله خواهد گشت
 و علم لغت کلمه الله به اعلی قلل جهان خواهد زد و مشکلی نیست
 که ترقی دائمی و پیشرفت سالیانه این جریان بسته بتایید
 و توفیق الهی دمت و کمک یاران است بهائیان باید
 این حکم را آبیاری کنند تا شیوه نوین مندی گردد و سبب سبب حرم
 بر کل عمل بنددند کارگران این اداس را تا امید منفعتی و شهری
 است این کار را محض انجام خدمات امر و نه زیادت تقاطع این
 شرق و غرب شروع نمودند و بدان احوال در از نهایت سرور
 و شرف عاجزند که جان بمقدار خود را در قدم حرکتان معنوی
 فدای کنند حضرت عبدالکبیر بهاء الله عبارت صحیح و فلاح این
 جریان را بسته به نظر یاران است بزرگواران ثبات بر برهان
 استقامت فرمودند اگر این سه صفات موجود گردد طالبان
 نوح نوح موجودند هم جریان تراید میدانش وسیع صوت حشمت
 بر قوه و جاهل و عاقبت اول جریان عالم گردد آید دریم که تحقق
 این صفات حرکت دین نبوت الهی کامل شود
 و تا از باب و الهوت باقی اداس و همی که در این یک سال از باب
 بودند از شهرهای شرق رسید نقطه ۸۴ بود و این است
 که اجزای آنکه را احزاب شش کین با سبک شش کین است
 این اداس برسانند تا از هر جهت دوام و ثبات یافته بخد
 اجزاء الهی بیشتر پیشین جهد عظیم نماید